

متن پرسش

سلام علیکم و رحمت الله: خسته نباشید بنده طلبه پایه پنجم حوزه علمیه هستم از مهمترین دلایلی که باعث شد بنده وارد حوزه علمیه شوم علاقه زیاد به معنویات بود مثلاً وقتی روحانی محله مان مناجات یا دعای کمیل می‌خواندد با سوز خیلی لذت می‌بردم، در کل می‌خواهم بگویم که به معنویات، معارف دین، خدا شناسی، سخنرانی‌ها خیلی علاقه داشتم بنده گمان می‌کردم حوزه جای چنین چیز هاست و در حوزه به دنبال چنین لذت‌ها می‌گشتم اما وقتی وارد حوزه شدم دیدم حوزه با آنچه مد نظر من بود متفاوت است آن از درس‌های خشک آن و از طرفی مطلوب بنده حاصل نشد بلکه با یک سری از هدف‌هایی که به نظر خودم هدف‌های بدی هم نیست الهی است اما لذتی شاید ندارد خودم را سر و پا نگه داشتم اما الان نمی‌دانم چه کنم آن معنویات که بیشتر نشد هیچ‌ای بسا کمتر هم شد گرچه دنبال لذت معنوی صرف بودم بدون دنبال کردن هدف خاص بنده نمی‌دانم الان که در اثنا راه هستم چه راهی را دنبال کنم که هم سعادت دنیا و آخرت من لحاظ شود هم به هدفی که باید برسم برسم و هم لذت‌های معنوی باشد و حقیقتاً با نشاط و لذت حقیقی مسائل را دنبال کنم تا الان که اگر لذتی هم بوده تصنعی و غرور آمیز بوده و حقیقی نبوده با این حال راهنمایی بفرمایید که ابتدا این مسیر را ادامه دهم یا خیر اگر ادامه دهم در چه زمینه‌ای چون بنده به فقه و اصول آن علاقه‌ای که باید داشته باشم را ندارم و بیشتر به خداشناسی، عرفان و علوم‌ی که بیشتر حال معنوی را خوش می‌کند علاقه مند هستم لطفاً راهنمایی بفرمایید. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اخیراً بحثی تحت عنوان «راز امیدواری ما به آینده نظام اسلامی و وظیفه تاریخی روحانیت» شد که رفقا همین روزها صوت آن را در کانال «مطالب ویژه» و سایت لب‌المیزان قرار می‌دهند. فعلاً متن آن بحث ذیلاً خدمتتان ارسال می‌گردد. موفق باشید

راز امیدواری ما به آینده نظام اسلامی و وظیفه تاریخی روحانیت

باسمه تعالی

بحث در دینداری ملت ایران است در مقایسه با قبل از انقلاب و در نسبتی که مردم ما با روحانیت داشته و در حال حاضر دارند و امیدی که باید به آینده مظام اسلامی داشت. در این رابطه خوب است

به موارد زیر فکر شود:

۱- آیا با نسلی روبه‌رو هستیم که به جهت سیاسی‌شدن دین، از دین و روحانیت فاصله گرفتند و یا با نسلی روبه‌رو هستیم که در جهان جدید، با امید به اسلام و با انتظار از روحانیت به دنبال نگاهی فاخرتر و عمیق‌تر نسبت به اسلام و انسان و انقلاب اسلامی هستند؟

در جواب به این سؤال کافی است پای صحبت نسل جدید بنشینیم، نسلی که متوجه جهانی‌بودن خود شده و خود را در وسعت جهانی‌اش دنبال می‌کند، در عین آن که نمی‌خواهد سکولار باشد و لذا به جامعه‌ای می‌اندیشد که در عین آن که او را در جهان حاضر می‌کند، جواب‌گوی وجود قدسی او نیز باشد و اعتراض این جوان از آنجایی شروع می‌شود که ما او را یا دعوت به حضور محدود گذشته و سنت دیروزین می‌کنیم و یا در حضور جهانی‌اش وجوه قدسی او را آن‌طور که شایسته انسان جهانی شده است، با او در میان نمی‌گذاریم. در حالی که روایات ما متذکر انسان آخرالزمانی هستند، یعنی انسانی که ظرفیت درک عمیق‌ترین معارف توحیدی را دارد. حضرت سجاد «علیه‌السلام» در رابطه با بشر آخرالزمان می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُتَعَمِّقُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ الْآيَاتِ مِنْ سُورَةِ الْحَدِيدِ «إِلَى قَوْلِهِ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» فَمَنْ رَامَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَقَدْ هَلَكَ»، خدای عزوجلّ مدانست که در آخرالزمان مردمانی مآیند بسیار عمیق، لذا سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و آیاتی از سوره حدید را تا «وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» فرو فرستاده و هرکه ماورای آنها را خواهد هلاک گردد. (الکافی، ج ۱، ص ۹۱).

انسان‌های آخرالزمانی که روایت فوق متذکر آن‌ها می‌باشد، متوجه می‌شوند چگونه از طریق اسلام می‌توانند به ابعاد آخرالزمانی و حضور جهانی خود دست یابند و لذا نه تنها از اسلامی که سیاست را نیز تغذیه می‌کند خسته نمی‌شوند بلکه ما شاهد خواهیم بود نسل جدید برای جواب‌گویی به ظرفیت آخرالزمانی خود حتی در عین فارغ التحصیلی از دانشگاه، به حوزه‌های علمیه رجوع می‌کنند تا در عین تغذیه ابعاد مختلف وجودی خود، رسالت نشان‌دادن توانایی‌های اسلامی که حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» متذکر آن بودند را به بشر جدید متذکر شوند، تا معلوم شود اسلام منهای سیاست، نه اسلام‌اش اسلام است و نه سیاست‌اش متعالی و انسانی است و حاصل آن سیاست که جدای از دیانت بود؛ دو جنگ جهانی اول و دوم شد و کینه‌ای که در این نوع سیاست بین انسان‌ها نهادینه گشت.

پس بحث در ظرفیت بیشتر نسلی است که در این تاریخ به میان آمده و انتظار بیشتری که از روحانیت دارد جهت جواب‌گویی به نیازهای اصیل او و عموماً جواب‌گویی به چنین نیازی از عهده روحانیت برمی‌آید و روحانیت باید منتظر باشد که در آینده رجوع فراوانی به او می‌شود.

۲- بعضاً گفته شده عامه مردم از وضع موجود راضی نیستند و این را به حساب روحانیت می‌گذارند و می‌گویند رابطه میان مردم و روحانیت دیگر آن نوع رابطه‌ای که در گذشته وجود داشت، نیست. آری! در این‌که در بعضی موارد چنین شده بحثی نیست، ولی آیا توانسته‌ایم این موضوع را پدیدارشناسانه ارزیابی کنیم؟ آیا وقتی دشمنان اسلام متوجه راز ماندگاری این ملت در تعلق ملت به اسلام و روحانیت شدند، تلاش فراوان نکردند تا این نسبت را بر هم زنند؟ و آیا جز آن است که در بستر تلاش دشمن و با بزرگ‌کردن ضعف‌های کوچک که به طور طبیعی در بعضی از روحانیون بود و هست، و با برجسته کردن آن ضعف‌ها و تعمیم آن به همه این قشر سعی کردند تا روحانیت را از چشم مردم بیندازند؟ با این تصور که مردم می‌توانند بی‌نیاز از روحانیت زندگی خود را داشته باشند؟

حال باید پرسید چاره کار در کجا است؟ حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» از یک طرف مکرر به روحانیت متذکر شدند که روحانیون باید زری طلبگی داشته باشند تا مردم متوجه باشند این قشر، دین را بهانه دنیاداری خود نکرده‌اند، و از طرف دیگر به مردم متذکر شدند اسلام منهای روحانیت، یعنی اسلام منهای اسلام. زیرا در دستگاه روحانیت است که ذیل رهنمودهای اهل بیت «علیهم‌السلام» و با روش‌های علمی دقیق می‌توان به ابعاد اصیل اسلام دست یافت و اسلام را به معنای واقعی آن کاربردی کرد و وارد زندگی نمود و این‌جا است که همه متفکران جامعه وظیفه دارند این موضوع را به طور پدیدارشناسانه بررسی کنند تا به جای مقصدانستن نظام اسلامی، از یک طرف متوجه فتنه‌های دشمن باشیم و از طرف دیگر روحانیت نیز با توجه به حساسیت زمانه با خودآگاهی بیشتر در این تاریخ ورود کنند.

۳- چه اندازه مهم است تا به این نکته توجه شود که رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله‌تعالی» در سخنان اخیر خود با مردم قم این‌گونه فرمودند:

«یکی از کارهایی که امروزه شدت در برنامه‌ریزی‌های دشمنان انقلاب و دشمنان نظام جمهوری اسلامی مطرح است، عبارت است از حساسیت‌زدایی نسبت به «اصول» و «بنیان» و «مبانی انقلاب» می‌خواهند این حساسیت را به تدریج کم کنند.»

با توجه به همین تبلیغات است که به گفته ایشان، گاهی حرف بعضی از افراد را که نه حرف‌شان و نه فکرشان ارزش دارد، برجسته می‌کنند تا اصول انقلاب را زیر سؤال ببرند، اصول انقلابی که راز ماندگاری ما در این تاریخ و عامل بقای نظام جمهوری اسلامی ایران است. نظامی که «مظهر اعتقاد دینی مردم است و ناشی از نگاه انقلابی برخاسته از دین به مسائل جاری جهان و کشور است.» (رهبر معظم انقلاب ۱۴۰۰/۱۰/۱۹)

۴- اگر با دقتی پدیدارشناسانه به رخداد تاریخی انقلاب اسلامی بنگریم، به نظر می‌آید عالمانه‌ترین

تعبیر برای رخداد انقلاب اسلامی را در جمله فوق می‌یابید که فرمودند: «نظام جمهوری اسلامی مظهر اعتقاد دینی مردم است و ناشی از نگاه انقلابی برخاسته از دین به مسائل جاری جهان و کشور است.» این یعنی انقلاب اسلامی در مواجهه با مسائل جاری جهان و اسلام به ظهور آمده تا ما بتوانیم در این جهان و در این تاریخ که تاریخ سیطره سکولاریسم است، هویت قدسی و معنوی خود را حفظ کنیم و معلوم است که برای این کار، تکنوکرات‌ها و مهندسين کافی نیستند و باید روحانیت به عنوان انسان‌های بصیر و هوشیاری که متوجه امر قدسی بشر امروز است، در صحنه باشد و دشمنان نظام جمهوری اسلامی این را بر نمی‌تابند و وظیفه متفکران جامعه است که متذکر این امر مهم به مردم باشند که نباید در میدانی بازی کنند که دشمنان اسلام طراحی کرده‌اند، و البته روحانیت نیز باید متوجه رسالت عظیم و وظیفه تاریخی خود باشند زیرا در تاریخی قرار دارند که بشر جدید برای معنابخشیدن به خود به اسلامی نیاز دارد که ابعاد عمیق وجود او را جواب دهد و مردم چون می‌دانند اسلام توان چنین جوابگویی‌ها را دارد و ارائه معارفی آن‌چنان عمیق را از روحانیت انتظار دارند، بعضاً معترض هستند که چرا روحانیت کوتاهی می‌کنند، پس اعتراض‌شان به جهت انتظارشان است و نه به جهت ناامیدی‌شان. گفت:

اگر با دیگرانش بود میلی چرا ظرف مرا بشکست لیلی؟

۵- آیا جز آن است که در تشییع پیکر مبارک شهید حاج قاسم سلیمانی مردم نشان دادند شدیداً به دنبال اسلامی هستند که حاج قاسم سلیمانی نماد آن بود؟ حاج قاسمی که فرمود: «امروز قرارگاه حسین‌بن‌علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حَرَم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند...». و رهبر معظم انقلاب فرمودند:

«اصلاً جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی برای حاکمیت دین خدا تشکیل شد تا جامعه با شکل و هندسه دینی زندگی کند و تنظیم بشود، مردم خون‌شان را نثار کردند برای این‌که این اتفاق بیفتد و دشمن می‌خواهد این را تضعیف کند.» (به بیانات مقام معظم رهبری در ۱۹/۱۰/۱۴۰۰ در سالروز قیام مردم قم رجوع شود.)

۶- با توجه به نکات فوق آیا جز این است که ریشه مشکلات، عدم تأکید بر اصول انقلاب و غفلت از افراد فرصت‌طلب است؟ و آیا وظیفه همه آحاد کشور بخصوص روحانیت، توجه‌دادن به این امور مهم نیست؟ . به گفته رهبر معظم انقلاب در رابطه با اسلام:

«عرصه فعالیت این دین، تمام گستره زندگی بشر است، از اعماق قلب او تا مسائل اجتماعی، تا مسائل سیاسی، تا مسائل بین‌المللی، تا مسائلی که به مجموعه بشریت ارتباط دارد.» (بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس اسلامی)

این‌ها همه حکایتی از راز امیدواری ما به آینده نظام اسلامی و وظیفه تاریخی روحانیت در این عصر و برای این نسل است زیرا در بستر حضور تاریخی انقلاب اسلامی، آینده مهمی در پیش داریم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته